

مسیح به عنوان رستاخیز و دانه گندم

خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱۲: ۲۳-۲۴؛ لوقا ۱۲: ۴۹-۵۰؛

۲ قرن‌تیاں ۱: ۸-۹؛ ۴: ۱۶؛ خروج ۲۵: ۳۱-۴۰؛ اعداد ۱۷: ۸

۱. ما می‌توانیم مسیح را به عنوان رستاخیز تجربه کنیم، از او مسرت ببریم و او را ابراز نماییم - یوحنا ۱۱: ۲۵

آ. برای زندگی در رستاخیز، ما باید حقیقت پرده برداری شده در مورد رستاخیز مسیح را ببینیم:
۱. مسیح در انسانیت خود، توسط خدا در رستاخیزش مولود شد تا پسر نخست زاده خدا باشد - اعمال ۱۳: ۳۳؛ رومیان ۸: ۲۹ ب.

۲. همه ایمانداران مسیح، توسط خدای پدر از طریق رستاخیز مسیح برای تولید کلیسا به عنوان بدن او، بازتولید او، تولد تازه یافتند - ۱ پطرس ۱: ۳؛ یوحنا ۱۲: ۲۴؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۰: ۱۷.
۳. مسیح به عنوان آدم آخر، روح حیات بخش شد - ۱۵: ۴۵ ب.

۴. بدون این موارد عمده رستاخیز خداوند (پسر نخست زاده به عنوان سر بدن، پسران بسیار به عنوان اعضای بدن، و آن روح به عنوان جوهر و واقعیت بدن)، نه کلیسا، نه بدن مسیح، و نه اقتصاد خدا وجود خواهد داشت - ر.ک. کولسیان ۱: ۱۸؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۲: ۱۲؛ افسسیان ۴: ۴.
ب. آن روح، واقعیت خدای سه یکتا، واقعیت رستاخیز، و واقعیت بدن مسیح است:

۱. واقعیت خدای سه یکتای فرآیند شده، روح تکمیل شده واقعیت است - یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱ یوحنا ۵: ۶.

۲. واقعیت رستاخیز، مسیح به عنوان روح حیات بخش است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۲۰: ۲۲؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵ ب.

۳. روح واقعیت، همه چیز خدای سه یکتای فرآیند شده را در بدن مسیح واقعیت می‌سازد - یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵.

۴. بدون روح، هیچ بدن مسیح، هیچ کلیسای وجود ندارد - افسسیان ۴: ۴.

ب. برای بودن در واقعیت بدن مسیح، ما باید مطلقاً در حیات رستاخیز مسیح باشیم:

۱. کلیسا مطلقاً از عنصر مسیح، مطلقاً در رستاخیز، و مطلقاً در جایهای آسمانی است - ۱ پطرس ۱: ۳؛ افسسیان ۲: ۶؛ ر.ک. پیدایش ۲: ۲۴-۲۱.

۲. چراغدان طلایی، نمادی از کلیسا به عنوان بدن مسیح، مسیح را به عنوان حیات رستاخیز به تصویر می‌کشد که برای درخشش نور، رشد می‌کند، شاخه می‌زند، جوانه زده و شکوفه می‌آورد - خروج ۲۵: ۳۱-۴۰؛ اعداد ۱۷: ۸؛ مکاشفه ۱: ۱۱-۱۲.

ت. عصای شکوفا نشان می‌دهد که مسیح، آن رستاخیزکرده، باید حیات ما، زیستن ما، و حیات رستاخیز در درونمان باشد، و این حیات باید جوانه بزند، شکوفه بیاورد، و تا بلوغ میوه دهد - اعداد ۱۷: ۱-۱۱:

۱. پس از سرکشی فرزندان اسرائیل، همانطور که در اعداد ۱۶ ثبت شده است، خدا به آن دوازده رهبر فرمان داد که دوازده عصا بر طبق دوازده قبیله اسرائیل برگیرند و در خیمه شهادت در برابر صندوق بگذارند. سپس گفت: «و شخصی را که من اختیار می‌کنم عصای او شکوفه خواهد آورد» - ۱۷: ۵.

۲. هر دوازده عصای برگ، بی‌ریشه، خشک و مرده بودند. هر کدام که شکوفا می‌شد، برگزیده خدا بود؛ در اینجا می‌بینیم که رستاخیز، اساس انتخاب خداست و اینکه اساس خدمت، چیزی جدا از حیات طبیعی ماست. از این رو، عصای شکوفا نشانگر تجربه ما از مسیح در رستاخیزش به عنوان پذیرش ما توسط خدا برای اقتدار در خدمتگزاری خدادادی است.

۳. اصل هر خدمتی در عصای شکوفا نهفته است. خدا تمام یازده عصا را به رهبران برگرداند، ولی عصای هارون را در داخل صندوق به عنوان یادگاری جاودان نگه داشت. این بدان معناست که رستاخیز، یک اصل جاودان در خدمت ما به خداست - آ. ۹-۱۰.
۴. شکوفا شدن عصا، تجربه ای فروتن کننده است. عصا نشانگر جایگاه انسان است، در حالی که جوانه زدن به معنای حیات رستاخیز است. از این رو، فقط یک فرد نادان می تواند مغرور باشد و بگوید که او بهتر از دیگران است - ر.ک. مرقس ۱۱: ۹؛ ۲: ۳؛ ۱۵: ۵؛ ۱ پطرس ۵: ۵.
۵. رستاخیز یعنی همه چیز از خداست و نه از ما؛ این یعنی تنها خدا قادر است و اینکه ما قادر نیستیم. همه کسانی که رستاخیز را می شناسند، امید به خودشان را از دست داده اند؛ آنها می دانند که نمی توانند دوام بیاورند.
۶. تا زمانی که قوت طبیعی باقی است، قدرت رستاخیز زمینه ای برای ظاهر شدن ندارد؛ تا زمانی که سارا می تواند بچه دار شود، اسحاق نمی آمد - پیدایش ۱۸: ۱۰-۱۵؛ ۲۱: ۱-۳، ۶-۷.
۷. آنچه ما می توانیم انجام دهیم از آن قلمرو طبیعی است، و آنچه انجام آن برای ما غیر ممکن است از آن قلمرو رستاخیز می باشد؛ رستاخیز از چیزهایی صحبت می کند که فراتر از ما هستند، که ما نمی توانیم آنها را در خود انجام دهیم - متی ۱۹: ۲۶؛ مرقس ۱۰: ۲۷؛ لوقا ۱۸: ۲۷.
۸. انسان قبل از اینکه به بی فایده گی محض خود متقاعد شود، باید به آخر خود برسد؛ اگر انسان هرگز به ناتوانی خود پی نبرده باشد، هرگز نمی تواند توانایی خدا را تجربه کند؛ رستاخیز یعنی ما نمی توانیم دوام بیاوریم و اینکه خداست که همه کار را در ما، از طریق ما، و برای ما انجام می دهد - ر.ک. ۲: ۱-۸؛ ۹: ۴؛ ۷.
۹. مسیحی بودن صرفاً دشوار نیست - غیرممکن است. فقط خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده که در ما به عنوان روح شامل تمام زندگی می کند، می تواند یک مسیحی باشد. فقط آن روح می تواند یک مسیحی باشد و فقط آن روح می تواند یک غلبه کننده باشد.
- ث. وقتی توسط حیات طبیعی خود زندگی نمی کنیم، بلکه با حیات الهی درون خود زندگی می کنیم، در رستاخیز هستیم؛ حاصل این، بدن مسیح است - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱.
۱. ما همه باید توسط خداوند شاگرد ساخته شویم تا اشخاصی الهی و اسرارآمیز باشیم، و با انکار حیات طبیعی خود، حیات الهی را زیست کنیم - ر.ک. یوحنا ۳: ۸.
۲. هر چیزی که حتی بر حسب کتاب-مقدس ولی در حیات طبیعی انجام می شود، واقعیت بدن مسیح نیست - ۱: ۳؛ ۱۲.
- ج. برای زندگی در رستاخیز، ما باید خدای رستاخیز را شناخته، تجربه کرده و کسب کنیم - ۲: ۱-۸؛ ۹: ۸-۱۰.
۱. خدا از طریق صلیب کار می کند تا ما را خاتمه دهد، ما را به پایان برساند، تا دیگر نه به خود، بلکه به خدای رستاخیز اعتماد کنیم - آ. ۹.
۲. اگر چه خدای زنده می تواند اعمال بسیاری را از طرف انسان اجرا کند، حیات و طبیعت خدای زنده در انسان نهاده نمی شود. وقتی که خدای رستاخیز کار می کند، حیات و طبیعت او در انسان نهاده می شود.
- (آ) خدا کار نمی کند که خود در اعمال بیرونی را بشناساند، بلکه در کار است که خود را در انسان افاضه کرده و بنهد - غلاطیان ۱: ۱۵-۱۶؛ ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۹.
- (ب) خدا از محیط استفاده می کند تا حیات و طبیعت خود را در ما بنهد - ۲: ۱-۳؛ ۷-۱۲؛ ۱: ۳؛ تسالونیکیان ۳: ۳.
- (پ) برای زندگی در رستاخیز و ساخته شدن با خدای رستاخیز، ما باید از طریق «همه چیزها» با صورت مسیح به عنوان پسر نخست زاده خدا هم شکل شویم - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ عبرانیان ۱۲: ۱۰؛ ۴۸: ۱۱.

(ت) مقصود اولیة رنج بردن در این عالم، بخصوص در رابطه با فرزندان خدا، این است که از آن طریق همان طبیعت خدا در درون طبیعت انسان نهاده شود تا انسان بتواند خدا را به حد کمال کسب کند.

(ث) همانطور که مصیبت ها را طی می کنیم، باید یک نو شدن مداوم روز به روز در ما رخ دهد تا خدا بتواند خواست قلبی خود را به انجام رساند که ما را اورشلیم نو بسازد - حزقیال ۳۶: ۲۶؛ ۲ قرننیا ۴: ۱۶؛ ۵: ۱۷؛ مکاشفه ۲: ۲۱.

۳. برای زیستن در رستاخیز، ما باید روز به روز توسط تغذیه شدن با تأمین تازه حیات رستاخیز نو شویم - ۲ قرننیا ۴: ۱۶.

۴. زندگی واقعی مسیحی این است که خدای رستاخیز صبح و شب و روز به روز به ما افزوده شود - کولسیان ۲: ۱۹؛ رومیان ۸: ۱۰، ۶، ۱۱.

۵. برای دریافت ظرفیت نوسازی حیات الهی در رستاخیز، ما باید با خدا تماس گرفته، خودمان را به روی او باز کنیم، و بگذاریم او به درون ما بیاید تا روز به روز از نو در ما افزوده شود - فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۱۰-۱۱؛ عنوان مزامیر ۱۸؛ ۲ قرننیا ۴: ۱۰-۱۲، ۱۶؛ تیتوس ۳: ۵؛ افسسیان ۴: ۲۳؛ ۵: ۲۶.

۲. ما می توانیم مسیح را به عنوان دانه گندم تجربه کنیم، مسرت ببریم، و ابراز نماییم - یوحنا ۱۲: ۲۴:

آ. جلال الهیت مسیح با حیات الهی او، در او مثل یک دانه گندم نهفته بود - آ. ۲۳-۲۴.
ب. در حالی که جلال الهیت او توسط پوسته انسانی پنهان شده بود، او تحت فشار بوده و فروگرفته شده، مشتاق تعمید با تعمید مرگش برای رهایی جلال الهیت خود با آتش حیات الهی خود بود - لوقا ۱۲: ۴۹-۵۰.

پ. رهایی جلال الهیت مسیح، از طریق شکسته شدن پوسته انسانی او از طریق مرگش بود - یوحنا ۱۲: ۲۴:

۱. او بذر منحصر به فردی بود که حیات الهی خود را با جلال الهی اش در بر می گرفت.
۲. وقتی که پوسته انسانی از طریق مصلوب شدن او شکسته شد، همه عناصر الهیت او - حیات الهی او و جلال الهی او - رها شدند.
۳. از این نظر، مرگ او یک مرگ رهاکننده حیات محسوب می شود که همزمان با جلالش رها می گردد.

ت. رهایی جلال الهیت مسیح، جلال یافتن او توسط پدر با جلال الهی در رستاخیزش از طریق مرگش بود - آ. ۲۳-۲۴؛ لوقا ۲۴: ۲۶.

ث. مسیح در زندگی انسانی خود دعا کرد که پدرش او را جلال دهد، و پدر دعای او را اجابت کرد - یوحنا ۱۷: ۱. اعمال ۳: ۱۳.

ج. چنین تجلی مسیح را از مرحله مجسم شدن به درون مرحله شامل شدن انتقال داد، که در آن، او به عنوان آدم آخر، روح حیات بخش در رستاخیز شد.

چ. از طریق مرگ رهاکننده حیات او و رستاخیز توزیع کننده حیات او به عنوان دانه گندم، مسیح همه ایمانداران خود را به درون یک پیوستگی با خدای سه یکتای فرآیند شده آورد:

۱. خدا در تثلیث الهی خود، یک پیوستگی است - یوحنا ۱۴: ۱۰-۱۱.
۲. خدای سه یکتای تکمیل شده و ایمانداران تولد تازه یافته در رستاخیز مسیح یک پیوستگی شدند - آ. ۱۶-۲۰.

ح. در رستاخیز مسیح، آن پیوستگی بزرگ شده، الهی-انسانی و عالمی خدای سه یکتای فرآیند شده با ایمانداران تولد تازه یافته، از مسیح به عنوان دانه گندم تبدیل شکل شده در سه جنبه، برآمد:

۱. جنبه اول، خانه پدر برای استراحت، رضایت و اظهار اوست - آ. ۲:

- (آ) همهٔ ایمانداران به مسیح، منزل های خانهٔ پدر هستند - آ. آ. ۲.
- (ب) خانهٔ پدر، توسط دیدار مداوم بازخريدشدگان منتخب پدر و پسر با روح، بناسازی می شود - آ. آ. ۲۱، ۲۳؛ افسسیان ۲: ۱۹-۲۲؛ ۳: ۱۶-۱۹.
۲. جنبهٔ دوم، تاک حقیقی برای بزرگ- شدن، گسترش و تجلیل خداست - یوحنا ۱۵: ۱-۸، ۱۶: (آ) آن تاک حقیقی، به عنوان نشانه ای از مسیح شامل تمام، ارگانیسم خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده است.
- (ب) شاخه های پیوندخوردهٔ آن با حیات الهی تولد تازه یافته اند، در یک اتحاد حیات با مسیح مصلوب و رستایز کرده آورده شده-اند، و با خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده پیوسته-شده گشته اند.
۳. جنبهٔ سوم، فرزند روح است، آن انسان نو، برای انجام اقتصاد جاودان خدا - ۱۶: ۱۳-۱۶، ۱۹-۲۲:
- (آ) یک فرزند نو، یک انسان نو، توسط روح تکمیل شده متولد شد - افسسیان ۲: ۱۵.
- (ب) در بر کردن انسان نو توسط ما با نو شدن در روح ذهنمان عاقبت بدن مسیح را تکمیل می کند، که اورشلیم نو را تکمیل خواهد کرد - ۴: ۲۳-۲۴.